

عنوان مقاله:

بررسی اصول اقتصاد رفتاری و اثرات آن بر سیاست گذاری

محل انتشار:

نهمین کنفرانس بین المللی مطالعات مدیریت، اقتصاد و حسابداری صنعت محور (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسنده:

نغمه پورفتحی - دکترای اقتصاد پول یو بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی، کارشناس ارشد اداره حوزه راهبری بانک پاسارگاد

خلاصه مقاله:

اقتصاد رفتاری در برگیرنده عوامل شناختی در انتخاب افراد است که مدل های سنتی آنها را نادیده گرفته است. از اینرو مکمل مدل نئوکلاسیک تصمیم گیری است و تمایلات شناختی متعددی نیز شناسایی شده است. این یافته ممکن است توسط سیاستگذاران به عنوان ابزاری جهت رفتار مطلوب تر افراد. استفاده گردد. در حقیقت ماهیت واقعی انسان پیچیده تر از کارگزار اقتصادی پیشنهاد شده. توسط مدل اقتصادی نئو کلاسیک است و برای توضیح طیف گسترده تصمیم گیری توسط افراد. ضروری است عوامل روانشناختی مدنظر قرار گیرد. ممکن است یافته های اقتصاد رفتاری نه تنها برای تصمیم گیرندگان در جهت بهبود تصمیم آنها، بلکه توسط شرکت ها به ویژه بخش بازاریابی و همچنین سیاست گذاران عمومی با هدف افزایش کارایی نیز بهکار گرفته می شود. هنگام استفاده از ابزارهای رفتاری. ملاحظات اخلاقی متعددی به وجود می آید که ضروری است به درستی مدنظر قرار گیرند. از نظر مدافعان اقتصاد رفتاری، از آنجایی که افراد تورش (سوگیری) شناختی دارند و با کمبود خویشتن داریمواجه هستند، نباید نقش دولت به حداقل محدود گردد. تورش رفتاری برای سیاست عمومی با هدف بهبود انتخاب مردم، منطقی است و همچنین دولت جهت دست یابی به اهداف مطلوب در حوزه های متعددی از جمله ارتقاء سلامت (مبارزه با چاقی و اعتیاد) پس انداز برای بازنشستگی. خرید بیمه. رفتار دوستانه با محیط زیست و همچنین مبارزه با فقر و نابرابری و افزایش تطبیق مالیات، از مکانیسم روانشناختی برای تنظیم دقیق مقررات خود استفاده می کند. از همه مهمتر اقتصاد رفتاری به رویکردهای جدیدی جهت توسعه سیاست گذاری بر اساس اصول طراحی رفتاری، منتهی می گردد.

کلمات کلیدی:

اقتصاد رفتاری، انحراف از اقتصاد استاندارد، نقش اقتصاد رفتاری در سیاست گذاری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2037688>

